



یک هفته تا موعد تصمیم برجامی ترامپ

ظریف: مطلقا دوباره مذاکره نمی‌کنیم

گروه سیاست: وزیر امور خارجه ایران در پیامی ویدئویی که به چندین زبان زیرنویس شده بود، مواضع جمهوری اسلامی را در واکنش به خروج آمریکا از برجام اعلام کرد. محمدجواد ظریف با تأکید بر اینکه در صورت خروج واشنگتن از برجام ایران پاسخ...

صفحه ۱۵

شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ • ۱۸ شعبان ۱۴۳۹ • ۵ می ۲۰۱۸

تترها

پاسخ سیداحمد خمینی به منتقدان مراسم عمامه گذاری

صفحه ۲



گفت‌وگو با حجت میرزایی یکی از نامزدهای شهرداری تهران

تهران می‌تواند محور ائتلاف گفت‌وگوی ملی شود

صفحه ۱۳

حرف اول

عکس یادگاری صادق زیباکلام با رضاخان

در خدمت و خیانت مومیایی

شیمیا بهرهمند - دبیر گروه فرهنگ



«در اطاقم یک آینه به دیوار است که صورت خودم را در آن می‌بینم و در زندگی محدود من این آینه مهم‌تر از دنیای رجاهاست که با من هیچ ربطی ندارند.» صادق هدایت، هشت دهه پیش با خلق مفهوم «رجالگی» دورانی از تاریخ معاصر ما؛ یعنی دوران دودمان پهلوی اول و سرمدمداری رضاخان را نشان‌دار می‌کند. قریب به قرنی می‌شود که پرسوای رجاه و گرمه، از «بوف کور» هدایت سر درآورده و راوی «بوف کور» یا همان «نویسنده»، تنها از طریق یک پستوی تاریک و دو دریچه آن با دنیای رجاه‌ها ارتباط دارد. جامعه‌ای ایرانی در این لحظه از تاریخ، میان دو عالم گذشته و دنیای افسون‌زده جدید، در حال گذار بود و ایران اگرچه زیر تأثیر مدرنیته قرار گرفته بود هنوز جامعه‌ای مدرن نشده بود. هدایت به «زمان‌نسیسم» -که از میان این دو جهان جاذبه جادو را به حالتی شیدایی برگرفته بود- تمایل پیدا کرد و شیفتگی او به حکایات و خرافه و عادات مردم و سرگذشت تاریخی و زبان عامیانه و دست آخر «سایه‌های مردگان و بازگشت مومیایی‌ها» را از منظر همین سنت می‌توان بازشناخت. اینک، یکی از همین مومیایی‌ها که دست‌برقضا از منفورترین آنان نزد هدایت بود یعنی رضاشاه، سر بر آورده است تا روایت تاریخی دیگری رقم بخورد. از منظر هدایت و دیگرانی از تبار او، رضاشاه همان دیکتاتوری است که با مدرنیزاسیون زورکی، خصلت رجالگی را به تاریخ معاصر ایران سنجاق کرد. شاید بتوان «بوف کور» را در میان خروارها روایت و خاطرات و تاریخ رسمی و نارسیمی مکتوب، آینه تمام‌نمای دوران پهلوی اول خواند. هدایت وضعیتی را تصویر می‌کند که از سرشت او فاصله‌ای بعید دارد. شتی شایدهفت برای برخورداری از خانه و باغ و درشکه و اتومبیل و رسیدن به وکالت و وزارت و عیاشی در فرنگ، به هر منشی و روشی دست زدند؛ جامعه رسمی و گفتار حاکم زمانه رضاشاه در نظر هدایت چنین بود. مدرنیزاسیون آغاز می‌شود، با شتابی باورنکردنی و زورکی. بر پایه‌های ارباب-رعیتی بنای شهرنشینی با مدنیت گذاشتن، که نیازمند تغییر ساخت است اما یک‌شبه که نمی‌توان مدرن شد! به‌قول کورش اسدی، نویسنده مرحوم معاصر - که ازقضای روزگار سرنوشتی مشابه هدایت داشت- «سرزمین ما سرزمین تعلیق بود. تعلیق میان گذشته و آینده.

ادامه در صفحه ۴



علی نوبخت در نامه‌ای به نمایندگان خواستار دعوت از رئیس‌جمهوری به مجلس شده تا درباره فیلترینگ توضیح دهد

غیرعلنی برای تلگرام

روحانی: فیلترینگ تلگرام توسط دولت انجام نشده و مورد تأیید نیست

صفحه ۲



گفت‌وگو با ایرج امینی:

آمریکایی‌ها گفتند امینی نتوانست بال‌های شاه را بچیند

صفحه ۸

یادداشت

تلگرام؛ مجازی که به واقعیت نزدیک تر بود

یکه‌ورچین شده‌اند؛ رفتار همه یکسان است؛ تلگرام عصیان‌ی بود برای دیده‌شدن و شنیده‌شدن.

من بارها گفته‌ام و باز هم می‌گویم که اصلا سیاسی نیستم و آرزو دارم تا زمانی که توان دارم، در عرصه علمی و محیط زیست کار پژوهشی و اطلاع‌رسانی داشته باشم. اما به آنها که با رفتارشان کاری کرده‌اند که ۴۰ میلیون ایرانی به پاول دروف روسی تبعیدی اعتماد کنند، می‌گویم این خیلی خیلی برای کشور خطرناک است. اتفاقا من هم بیش از شما از این حد اعتماد مردم به تلگرام ناراحت هستم.

راه بازگشت اعتماد مردم استفاده از محدودیت نیست. این روش‌ها در دنیای جدید چندان کارایی ندارد. شما کافی است فقط یک شبکه تلویزیونی درست کنید که صدای اکثریت و حتی اقلیت‌های کوچک در آن حق پخش داشته باشد. اگر ندیدید که بعد از مدتی همه سرشان را از موبایل‌ها بلند کرده و تلویزیون را نگاه کنند. بگذارید در آن شبکه من دانشگاهی حرفم را در مورد اشکالات علم در کشور یا محیط زیست کشور بدون لکنت زبان بگویم. به بقیه گروه‌های اجتماعی هم چنین حقی را بدهید. این تنها راه مبارزه با شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌هایی از جنس تلگرام است. من به عنوان یک دانشگاهی دنیا دیده که هم با روس‌ها، هم با آمریکایی‌ها و هم سال‌ها با اروپایی‌ها و همچنین کشورهای منطقه کار علمی کرده‌ام، به صراحت می‌گویم آنها قابل‌اعتماد نیستند و آنها دلشان برای آزادی، حقوق بشر و رفاه ایران و ایرانی نمی‌سوزد. بنیاید برای آنکه مردم و جوانان در دام آنها نیفتند، بودنشان را باور کنیم و همان‌طور که در زمان انتخابات حضورشان را می‌خواهیم، در بقیه سال هم به آنها مراجعه کنیم تا آنها هم گوشه‌ای از بار سنگین اداره کشور را در عصر گرمایش کره زمین و بحران آب به دوش بگیرند. مهم‌ترین مشکل امنیتی در کشور تلگرام، بی‌بی‌سی و فیسبوک یا چهار تحصیل‌کرده در خارج نیست. آنچه آینده این سرزمین را تهدید جدی می‌کند، نابودی محیط زیست است و بی‌اعتمادی مردم به آنچه رنگ دولتی دارد. ماندن در زمینی که از بی‌رحمی بشر به‌شدت زخمی شده است، فقط برای زخم‌های آن به همکاری و همراهی همه نیاز دارد. سیل بی‌آبی و دود گرمایش کره زمین همه را یا با خود می‌برد یا خفه می‌کند، چپ و راست و این‌قوه و آن قوه نمی‌شناسد. پس لازم است چشم‌ها را شست، دست‌ها را در دست هم قرار داد و برای مقابله با بحران‌هایی که صدها برابر خطرناک‌تر از تلگرام است، با هم تلاش کرد.



حسین آخانی استاد دانشگاه تهران

وقتی تلگرام آمد، به دلیل امکانات فوق‌العاده‌ای که داشت، توانست نیمی از جمعیت ایران را به سوی خود جلب کند. گوانیکه برای ایران ساخته شده بود. از باسواد، کم‌سواد و بی‌سواد جلب آن شدند و فضایی شد که هرکس کالای فکری یا حتی تجاری خود را عرضه کرد. گروه‌های اجتماعی همفکران خود را یافتند و برای خود گروه و کانال زدند. سرعت تأثیرگذاری تلگرام فوق‌العاده بود، آن‌قدر که هیچ مقام دولتی‌ای هم نمی‌خواست از فرصت اطلاع‌رسانی و جمع‌کردن دارودسته‌اش در تلگرام صرف‌نظر کند.

مردم کم‌کم به تلگرام معتاد شدند، به‌خصوص در کشوری که دنیای واقعی مردم با درون آنها گاهی فاصله‌های عجیبی دارد. بخشی از حاکمیت که همیشه تلاش کرده مردم آن‌ی بنمایند که او می‌خواهد، تلگرام این فرصت را فراهم کرد که در فضای مجازی دنیای واقعی بهتر دیده شود و این شاید همان رمز موفقیت تلگرام بود.

اینکه تلگرام می‌ماند یا نه و مردم با استفاده از روش‌های عبور از فیلترینگ باز هم از آن استفاده می‌کنند یا با تبدیلی دیگر جایگزین می‌شود، به زودی مشخص خواهد شد. اما تلگرام نقطه‌عطفی در تاریخ ایران خواهد بود که هم سطح آگاهی مردم و هم سطح توقعات را بالا برده است. لازمه ماندن در دنیای امروز و حتی در گذشته پذیرش تغییر بوده و خواهد بود. لازم نیست دانش شما مثل ما زیست‌شناسان باشد که تولد، مرگ و تکامل را بخشی جدانشدنی از حقیقت حیات زمینی بدان. من هم از اینکه همه تلگرامی شده بودند، ناراحت بودم، حتی برای خودم. دلم می‌خواست به جای نوشتن و خواندن مطالب تلگرام درسم را بدهم، تحقیق را بکنم و اگر دانشی دارم که به درد کشور می‌خورد، در جلسات تخصصی در اختیار تصمیم‌گیران بگذارم. اما متأسفانه بعد از ۲۰ سال کار دانشگاهی و شاید ۳۸ کار فرهنگی و علمی- یعنی از اولین مقاله‌ای که در ۱۵سالگی با عنوان «قاتل‌ها در معرض خطرند» در هفته‌نامه سروش استان مرکزی نوشتم- به تجربه دریافت‌م که این سندروم خاورمیانه‌ای علاقه‌ای به گوش‌کردن نظر دیگران و پذیرش آن ندارد. فرقی ندارد نظر شما در یک جمع دانشگاهی باشد که همه تحصیل‌کرده خارج هستند یا در جمع‌ی دولتی که اعضای آن

یادداشت

شهردار تهران؛ انتخاب میان سیاست یا تخصص



حسن بحیوی کارشناس اقتصاد منطقه‌ای

حال که خیابان بهشت درحال‌وهوای انتخاب شهردار است، مهم‌ترین سؤالی که باید به آن پاسخ داد این است که شهر تهران به چه شهرداری نیاز دارد؟ ویژگی‌های اصلی شهردار چه باید باشد؟ و چرا این ویژگی‌ها برای شهر تهران حیاتی است؟ شهر نیازمند تخصص و نوآوری مبتنی بر خرد جمعی است یا انتخاب‌های مبتنی بر سیاست‌ورزی؟ اما برای پاسخ به این سؤالات کافی است به اقتصاد کلان‌شهر تهران توجه کنید. براساس برآوردها در سال ۱۳۹۳ (آخرین سال دارای آمار رسمی) تولید ناخالص داخلی شهر تهران برابر با ۱۰۹۴۹۰۸۲۱ میلیارد ریال است که سهمی حدود ۱۷درصدی از تولید ناخالص داخلی کشور را در اختیار دارد. از طرفی این سهم از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ رو به کاهش بوده است. در کنار کاهش مشارکت اقتصاد شهر تهران در اقتصاد ملی، متوسط نرخ رشد اقتصادی در شهر تهران به قیمت جاری و ثابت به‌ترتیب ۲۱ درصد و ۲۲۰ درصد بوده که نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از افزایش تولید ناخالص داخلی شهر ناشی از افزایش قیمت‌ها بوده و نه افزایش ظرفیت‌های اقتصادی شهر. در همین دوره درآمد عملیاتی و هزینه‌های عملیاتی شهرداری تهران به‌ترتیب در این مدت ۲۸۰۹ درصد و ۳۱۰۴ درصد رشد داشته‌اند. به بیانی دیگر درحالی‌که انتظار می‌رود مالیه شهر در ارتباط با ظرفیت‌های واقعی اقتصادی شهر باشد، اما به‌هیچ‌وجه این اتفاق نیفتاده است. بالاترودن این رشد نشان می‌دهد که مالیه شهر، اولا ظرفیت‌های اقتصادی را پیش‌خور کرده است، دوما انتظار می‌رود رابطه‌ای دوسویه میان رشد ظرفیت‌های اقتصادی شهر و کالاهای عمومی شهری که ذاتا شهرداری می‌بایستی ارائه دهد، وجود دارد که این عدم تناسب در نرخ‌های رشد نشان می‌دهد که به‌هیچ‌وجه رابطه نزدیکی میان اقتصاد شهر و مالیه شهر وجود ندارد. در حالی هزینه‌های شهر به‌طور سرسام‌آوری افزایش یافته که ظرفیت‌های اقتصادی آن با روند آرام رشد کرده است. در کنار این نیز، اقتصاد شهر تهران با پدیده «عقب‌افتادگی اشتغال نیست به تولید» مواجه بوده است؛ به‌عبارت دیگر رشد اشتغال به‌واسطه سیاست‌های بازگانی خارجی،

ادامه در صفحه ۶

گفت‌وگو با سفير سوئیس

برجام می‌تواند بدون آمریکا ادامه پیدا کند

گروه سیاست: سیاست‌به‌ویژه سیاست آمریکا آخرین موضوعی است که می‌خواهد درباره آن گفت‌وگو کند؛ اما به همان اندازه علاقه دارد درباره روابط علمی-اقتصادی میان ایران و سوئیس بگوید. در میانه گفت‌وگو به نکته‌ای اشاره می‌کند که...

صفحه ۶

سال پانزدهم • شماره ۳۱۳۹ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

چه خواهد شد؟

احمد غلامی - سردبیر



درست یا نادرست، آنچه همه به آن باور دارند این است که وضعیت سیاست‌کنونی در ایران نیازمند اصلاح و تغییر است. تجربه نشان داده است که چنین شرایطی همواره آستان حوادث نابهنگام است؛ حوادثی که به‌طرز بطنی نطفه می‌بندد و ناگهان پدیدار می‌شود. این زایش دردناک گاه در موعد مقرر و گاه به‌ناگهیر با سزارین همراه است. تغییرات گسترده دوره هاشمی در سیاست و اقتصاد و فرهنگ، نطفه حادثه‌ای را در بدن خود پروراند که سزارین دوم خرداد تجلی آن بود. باینکه زمان چندی از حوادث دوم خرداد و پس از آن نگذشته است، وقتی درباره آن حوادث حرف می‌زنیم انگار از تاریخی دور سخن می‌گوییم که سیری شده است و دیگر توان لازم برای «سنتیز» گذشته با اکنون، یا «ادغام» در شرایط کنونی را ندارد. اگر این گفته را بپذیریم، باید گفت اصلاح‌طلبان تسلیم این شرایط شدند و توانایی تذکار یا حافظه‌سازی از دوران شکوفایی خود را ندارند. این مشکلی است که تیر و طایفه احمدی‌نژادی‌ها هم به‌نوعی دیگر با آن دست‌به‌گریبان‌اند. آنان نیز وارث گذشته‌ای سیری‌شده‌اند و از تغییر اکنون درمانده‌اند. اگرچه قیاس اصلاح‌طلبان با احمدی‌نژادها قیاس مع‌الفارق است، در این سطح تحلیل مشکل آنان با هم همخوانی دارد، با این تفاوت که بیچاره احمدی‌نژاد، ذهن تحلیلی‌گری ندارد و تلاش می‌کند با طرح‌وتوطنه‌های سیاسی جسد پروژه سیاسی‌اش را احیا کند. او بیش از هرکس در پاسخ به این پرسش مبهوت مانده است که چرا صدایش فراتر از محله نارمک نمی‌رود. اصلاح‌طلبان با ذهن تحلیلی‌گر خود در کمین نهشته‌اند تا در موقع لزوم شرایط را به نفع خود تغییر دهند. اما در حال حاضر بیش از هر چیز عیان است که نیروهای سیاسی ایران فاقد توان لازم برای آند که در سنتز گذشته و حال، بانی ظهور ایده‌های متفاوت باشند. با این اوصاف گویا همه نیروهای سیاسی از هرگونه تغییر محسوس در جامعه عقیم هستند. این شرایط ماحصل سال‌ها سیاست‌ورزی بدون توجه جدی به تغییرات جامعه است. نیروهای فعال سیاسی در موارد اندکی قادر بوده‌اند به تغییرات اساسی جامعه نزدیک شوند تا این نزدیکی موجب فاصله‌گذاری آنان با دیگران و دولت‌های مطبوعشان باشد. از این‌رو رخدادهای سیاسی دوران آنان به‌سرعت تاریخی شده و پیوندش را با اکنون از دست داده است. اینک همه جریان‌ها وارث نوعی انفعال سیاسی‌اند که از مجموعه کردارها و رفتارهای احزاب سیاسی و نهادهای رسمی و دولتی نشئت گرفته است. توصیف و تحلیل وقایع سال‌های اخیر شاید تا حدودی نشان بدهد شرایط سیاسی در آینده، آستان چه حوادثی است. آنچه بیش از هر چیز وضعیت سیاسی را به انفعال کشانده، افشای اختلاس‌های میلیاردی است. این افشاشگری‌ها نخست شوقی سیاسی در رگ‌وبپی جامعه دواند، اما مواجهه با این اختلاس‌ها که صف‌های ارتقام آن برای عام‌وخاص قابل شمارش نبود، آنان را سرخورده کرد و ناگزیر از واقعیت موجود به افسانه‌سرایی روی آوردند. اتفاق دیگر، دستگیری سعید مرتضوی، مجرم‌کهریزک بود. فرایند این دستگیری موجب از بین‌رفتن توان کشنگری سیاسی جامعه شد. بعد از مرتضوی، احمدی‌نژادی‌ها یا به میدان گذاشتند تا خط قرمزها را یکی بعد از دیگری درموردند. احمدی‌نژادها در روزهای آغازین این پروژه مردم را شگفت‌زده کردند. آنان مردم را واداشتند چشم به دهان کسانی بدوزند که خود پیش از هرکس باید پاسخ‌گوی فجایع عملکردشان باشند. مخدوش‌شدن جای پاسخ‌گو و پرسشگر، ضربه سنگینی به سیاست داخلی ایران وارد کرد. مردم با چشمان خیره و ناباور شاهد آن بودند که کسانی طلبکارانه همه را به پرسش می‌کشند که باید پاسخ‌گو باشند. این افشاشش سیاسی از توان تحلیل مردم فروکاست و به‌تبع آن احمدی‌نژادی‌ها به‌سرعت از توان کشنگری سیاسی تهی شدند. اگر مردم هم اندک شوق و باوری داشتند، در سخنرانی‌های بی‌ثمر آنان که عامدانه در عبور از خط قرمزها مبالغه می‌کردند، از دست رفت.

ادامه در صفحه ۲

سرکار خانم شجاعی، دبیر کل مجمع زنان اصلاح طلب

مصیبت درگذشت پدر گرامیتان

مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی شجاعی

را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان مبر و اجر آرزو می‌نمایم.

روزنامه شرق